

بسم الله الرحمن الرحيم

ان الذين يحبون ان تشيع الفاحشه في الذين امنوا لهم عذاب اليم في الدنيا و الاخره و الله يعلم و انتم لا تعلمون
 (سوره نور آیه ۱۹)

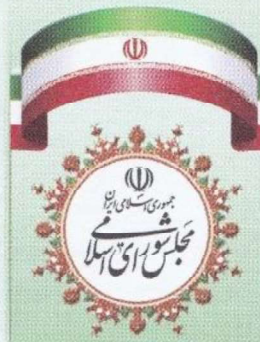
کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آن‌ها در دنیا و آخرت است.

همکاران محترم، ملت بزرگ و شریف ایران

سلام علیکم

شفافیت در هر جامعه ای یکی از نشانه های کاهش فساد است. نیازی به تذکر نیست که ایجاد شفافیت امکان نظارت عمومی را فراهم می کند و مفسدان اگر بدانند اعمالشان زیر ذره بین جامعه است قطعاً در ارتکاب به فساد درنگ خواهند کرد. این مساله خصوصاً در امور دولتی و حاکمیتی اهمیت ویژه دارد. بدیهی است که اگر شفافیت از بین برود، چه بسا یک مدیر دولتی به راحتی اقدام به سوء استفاده از مقام خود کرده و با ایجاد شرکت‌های خصوصی و داشتن رانت اطلاعاتی بتواند به ثروتهای نامشروع دست یابد. اگر حقوق و محل درآمد مدیران شفاف نباشد چه بسا که ببینیم یک کارمند دولت بعد از سی سال کار تمام وقت صدها میلیارد تومان ثروت جمع آوری کرده که به هیچ عنوان با حقوق دریافتی آن فرد تطابق ندارد. مساله شفافیت مخصوصاً در امور قراردادهای خارجی اهمیت دو چندان می یابد چرا که نبود شفافیت می تواند به آسانی افراد نفوذی و یا خودفروخته کمک کند که با دریافت رشوه و فروش منابع کشور به ثمن بخش به منافع اساسی کشور لطمه وارد کنند و حتی چه بسا استقلال کشور را در قمار عشق به اجانب ببازند. لهدذا قانون اساسی با هوشیاری این مساله را پیش بینی کرده است و مطابق اصول ۷۷ و ۱۳۹ قانون اساسی قراردادهای خارجی بدون ایجاد شفافیت برای مردم و نمایندگانشان و تصویب در صحن علنی مجلس هیچ قابلیت اجرایی ندارد. هر چند متأسفانه مکرراً شاهد بوده و هستیم که چه بسا قراردادهایی حتی بدون ترجمه به زبان فارسی و بدون تصویب مجلس تبدیل به مهمترین تعهدات خارجی کشور می شود که شاید برجام نمونه آشکار و بدیهی از این رفتار غیرقانونی و ضد شفافیت باشد که خود مثنوی دیگری است و خود یکی داستانتست پر آب چشم.

اما آیا با این توضیحات می توان ادعا نمود که شفافیت همه جا برای جامعه مفید است و لزوماً در مورد همه چیز باید شفاف سازی نمود؟ برای مثال آیا می توان تغییرات ذخیره گندم و یا سوخت کشور را شفاف سازی نمود و به طور فرضی اعلام نمود که مثلاً ذخیره گندم سیلوهای کشور رو به اتمام است؟ بدیهی است که هیچ عقل سلیمی چنین قسم شفافیتی را نمی پذیرد. چرا که نتیجه بدیهی و قهری چنین ایجاد



دوره دهم

سید محمد جواد ابطی
نماینده مردم شهیدپرور
شهرستان خمینی شهر
و عضو کمیسیون
آموزش تحقیقات
و فناوری و
اصل نودم قانون اساسی

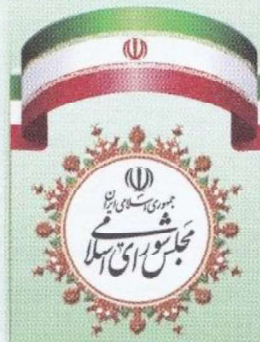
شفافیتی ایجاد بحران غذایی و اجتماعی در کشور خواهد بود و زمامداران خردمند همیشه این قبیل اطلاعات را جزو اطلاعات محرمانه کشور طبقه بندی می کنند. چه رسد به شرایط خاص اجتماعی کشوری مثل ایران که حتی در بعضی سالها شاهد بودیم با یک شایعه بی اساس در مورد کاهش ذخیره یک کالای غیر اساسی مانند چای چه تبعات سنگین اقتصادی می تواند رخ دهد.

مورد دیگری که از نمونه های نامناسب بودن شفافیت برای جامعه مواردی است که پای اطلاعات امنیتی در میان است و یا اخباری که از نظر اخلاقی و اجتماعی آسیب زا باشند. نسل انقلاب اسلامی به خوبی خاطر دارد که چگونه انتشار خبر سرقت ها و جنایتها در روزنامه ای مانند "حوادث" به ایجاد یک نسخه آموزشی بزهکاری برای افراد مجرم تبدیل شد تا جایی که تکرار و تقلید این حوادث سبب شد که این روزنامه رسماً منحل شود. و یا مواردی که تبعات خاص اخلاقی و ناموسی داشته باشد تا جایی که بر اساس قانون اساسی در این موارد حتی دادگاه هم می تواند به طور غیرعلنی تشکیل شود.

البته باید با تأسف اذعان کرد که اگر دیروز امکان داشت با نظارت بر رسانه های مکتوب از چنین سوء استفاده های ضدامنیتی انتشار اطلاعات ممانعت به عمل آورد اما امروزه با گسترش بدون قید و مرز فضای مجازی نه تنها شاهد انتشار حوادث که حتی شاهد انتشار شایعات بی اساس و تحریک آمیز و حتی آموزش علنی جرم و جنایت و خشونت در شبکه های اجتماعی هستیم که خود چاره اندیشی و مدیریت صحیح مسوولان ذیربط را طلب می کند.

اما فارغ از خطرات امنیتی انتشار افسار گسیخته اطلاعات، آنچه خطر امنیتی انتشار شایعات در فضای مجازی را مضاعف کرده است، سواد رسانه ای نزدیک به صفر مسوولان بخشهای مختلف در برخورد با حوادث و شایعات است. وقتی یک خبر تایید نشده یا کلی که بار امنیتی و روانی دارد در فضای وب منتشر می شود و یک مقام مسوول هم بدون تحقیق و یا در نظر گرفتن جوانب امنیتی و اخلاقی موضوع، آن را تایید می نماید، خطرات ناشی از انتشار این اطلاعات صد چندان می شود.

ماجرایی که تحت عنوان تجاوز به یک دختر بچه افغان در خمینی شهر رخ داد را باید یکی از این بی مسوولیتی های مقامات مسوول در انتشار اطلاعات محسوب نمود. خبری منتشر شد که به دختر بچه ای تجاوز شده و این دختر بچه افغان بوده است. و البته هنوز هم با توجه اظهارات ضد و نقیض مادر کودک ابعاد مساله مشخص نیست و هنوز قطعی نیست که هویت مجرم یا مجرمان چه بوده است و یا اینکه ملیت آنان چیست و اینکه آیا تجاوز اتفاقی بوده یا نتیجه یک توطئه قبلی و... هیچ یک از جزئیات مساله مشخص نیست الا اینکه در خمینی شهر به دختری افغان تجاوز شده است! فقط یک خبر مبهم و کلی.



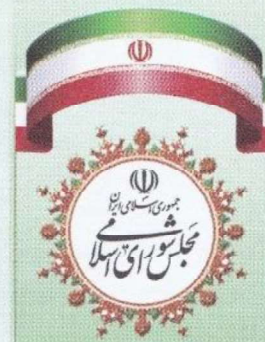
حال تایید انتشار این خبر در شهری که به تنهایی چند هزار نفر از اتباع افغانستان به طور رسمی در آن ساکن هستند تا جایی که حتی بعضی محلات شهر به کانون تمرکز این پناهجویان تبدیل شده است چه تاثیر روانی بر آنان خواهد داشت؟ و اگر در این شرایط یک مقام مسوول مانند رییس اورژانس اجتماعی نیز در حرکتی غیرمسولانه با مصاحبه با رسانه های رسمی آن را تایید کند، نتیجه این رویکرد البته مشخص است.

البته پس از جنجال های گسترده رسانه ای و مشخص شدن ابعاد سوء این انتشار این خبر، مدیرکل بهزیستی استان اصفهان اعلام نمود (روزنامه ایران، تاریخ ۹۷/۳/۱۹) که اظهارات رییس اورژانس اجتماعی کشور به درستی منتقل نشده و رسانه ها منظور او را به غلط منتشر کرده اند و نامبرده اشاره ای به جزئیات ماجرا نداشته است. در صورت تصدیق سخنان این مقام محترم استانی، باید در این خصوص تذکر داد که اولاً مقامات مسوول باید در برخورد با رسانه ها بشدت مراقب باشند که حرفی نزنند که بستر سوء استفاده را فراهم کند و ثانیاً اصل ماجرا نیز هنوز مشکوک است و تایید آن پیش از انجام تحقیقات قضایی معنایی جز نشان دادن چراغ سبز به به گمانه زنی های ثانویه ندارد.

با توجه به آنچه گفته شد بدیهی است که مجموعه حاکمیت بویژه مقامات قضایی و انتظامی باید با این حرکات غیرمسولانه برخورد کنند و با انجام تحقیقات جنایی موضوع را تا زمان دستگیری مجرم اصلی و مجازات آنان به صورتی آرام پیگیری نموده و متجاوز یا متجاوزان احتمالی را به اشد مجازات برسانند تا تبعات امنیتی خاصی ایجاد نشود. اما آنچه جالب و در عین حال مشکوک است اینکه ناگهان یک جریان مشخص و سازماندهی شده به طور بی سابقه ای به فکر ایجاد شفافیت در این موضوع می افتد و از آن مسوول خاطی نیز به خاطر بنزین ریختن روی آتش حمایت می کند!

آنچه باز هم ماجرا را بیشتر قابل تامل می کند اینکه بدانیم همان جریانی که حامی عدم شفافیت و محرمانگی در همه اطلاعات اصلی کشور بود و در مواردی مانند حذف ایران کد و شبهنم، قراردادهای محرمانه با شرکتهای خارجی، درآمد و حقوق وزرا و مدیران و یا برجام از محرمانه بودن اطلاعات و عدم شفافیت گستاخانه حمایت می کرد و آن را نشانه تدبیر مدیران می دانست الان ناگهان حامی شفافیت آنهم در یک مساله خاص اخلاقی و امنیتی می شود. اما به راستی هدف این جریان چیست؟

اولاً بدیهی است که هدف طولانی مدت این جریان عادی سازی و علنی سازی مساله تجاوز و جرایم جنسی و در یک کلام اشاعه فحشا در جامعه است تا قبح این موارد هر روز بیش از پیش شکسته شود تا مولفه حیا و غیرت از شاخص های هویتی جامعه ایرانی حذف شود و در نتیجه فرایند اندلسی سازی کشور و



دوره دهم

سید محمد جواد ابطحی
نایب مردم شهید پرور
شهرستان خمینی شهر
و عضو کمیسیون
آموزش تحقیقات
و فناوری و
اصل نودم قانون اساسی

تحمیل امثال سند ۲۰۳۰ شتاب بیشتری گیرد. توجه به این نکته که همین جریان که خواستار شفافیت در این نوع مسائل است خودش از مهمترین حامیان حذف حجاب و گسترش ماهواره و فضای مجازی به اسم آزادی است، این نتیجه گیری را تقویت می نماید.

ثانیا اما هدفی خبیثانه و کوتاه مدت پشت پرده این حرکات است و آن سرمایه گذاری دشمن روی ظرفیت پناهجویان در ایران است. تحریک این پناهجویان علیه ایرانیان و تحریک ایرانیان علیه این پناهجویان و در نتیجه ایجاد ناامنی در کوتاه مدت یکی از برنامه های دشمن است چنانچه رهبر انقلاب اسلامی نیز بارها در مورد طرحهای خبیثانه دشمن هشدار داده اند. بدیهی است توجه به این خطر و شناسایی شبکه پشت پرده ایجاد این تحریکات و وظیفه نهادهای امنیتی و اطلاعاتی و سربازان گمنام امام زمان عجل الله فرجه می باشد.

ثالثا هدف حاشیه ای اما مهم دیگری که این جریان نشان داد از دامن زدن به این تحریکات دنبال می کند عقده گشایی بی سابقه علیه اسلام و انقلاب اسلامی است. خمینی شهر شهری است که به تعصب دینی مردمانش شهره است. شهری که حسینیه ایران است و مردم آن همواره دوماه محرم و صفر را به طور کامل به عزاداری اختصاص می دهند. شهری که در همین ماه مبارک رمضان رتبه اول استان در جشن گلریزان برای آزادی زندانیان را به دست آورده است. شهری که در دفاع مقدس بیش از ۲۳۰۰ شهید به اسلام و انقلاب اسلامی تقدیم کرده است. اکنون انتشار خبر تجاوز به یک کودک افغان در خمینی شهر می شود بهانه ای برای حمله به مقدسات دینی مردم خمینی شهر! گویی که مردم متدین مسول جنایت هستند و دلیل جنایت هم تدین آنها است! و این در حالی است که اساسا هنوز هیچ اطلاعاتی از هویت و حتی ملیت مجرم یا مجرمان در دست نیست و فرضا هم که اطلاعاتی وجود داشت، بدون شک انگشت اتهام را به سوی افراد لاقید و بی بند و بار می برد. اما شاهد هستیم که چگونه این جریان با پیش دستی در حال عقده گشایی علیه اسلام و انقلاب اسلامی و امام خمینی است.

بدیهی است که از هیچ یک از نکات فوق نمی توان سرسری عبور کرد. جریان ضد انقلاب داخل و خارج با سابقه سیاهی که دارند همیشه مترصد کمترین فرصت و بهانه ای برای استحاله فرهنگی و ایجاد ناامنی و اعمال فشار روانی و حمله به ارزشهای اسلامی و انسانی هستند و متاسفانه توسط برخی مدعیان اصلاح طلبی و سلبریتی ها نیز همراهی می شوند. باید دید تا کجا نهادهای قضایی و امنیتی می خواهند در مقابل این افراد سکوت کنند.